پلیس: رانندگی باهر موتورسیکلتی ملزم به داشتن گواهینامه است

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی فراجا تأکید کرد که کلیه موتورسیکلت‌سواران کاربراتوری، انژکتوری و موتور برقی نیازمند گواهینامه رانندگی هستند و هیچ استثنایی وجود ندارد.

سردار سیدکمال هادیانفر با اشاره به تردد بیش از ۱۲/۵ میلیون دستگاه موتورسیکلت در کشور گفت که ۶/۵ میلیون راکب فاقد گواهینامه رانندگی هستند. وی با اشاره به نقش موتورسیکلت‌ها در بروز سوانح رانندگی گفت: متأسفانه ۳۴ درصد تصادفات کشور به خصوص در شهرها مربوط به موتورسیکلت‌سواران است. وی با تأکید بر داشتن گواهینامه برای رانندگی ادامه داد: بر اساس ماده ۲۶ آیین‌نامه راهور مصوب سال ۱۳۸۴ و ماده یک آیین‌نامه صدور انواع گواهینامه‌های رانندگی مصوب سال ۱۳۹۰ هیئت وزیران هر کسی بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی رانندگی کند باید گواهینامه رانندگی متناسب با آن وسیله نقلیه را داشته‌باشد.

هادیانفر افزود: قانونگذار در ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی برابر افراد فاقد گواهینامه که مبادرت به رانندگی می‌کنند، جرم‌انگاری و مجازات تعیین کرده‌است که پلیس مجاز است ضمن متوقف کردن وسیله نقلیه و هدایت به پارکینگ‌ها، راننده را به مرجع قضایی معرفی کند. وی ادامه داد: تمامی موتورسیکلت‌سواران (کاربراتوری، انژکتوری و موتور برقی) نیازمند گواهینامه رانندگی هستند و هیچ استثنایی وجود ندارد.

هادیانفر گفت: بعضاً متأسفانه شنیده می‌شود برخی فروشندگان موتورسیکلت برقی یا سبک با بیان اینکه موتورسیکلت‌های با حجم کمتر از ۵۰ سی‌سی نیاز به گواهینامه ندارند، اقدام به فروش آن می‌کنند، فاقد صحت و برابر قوانین و مقررات کشور قطعاً نیازمند اخذ گواهینامه است و رانندگی با موتورسیکلت‌های سبک و برقی هم مستلزم داشتن گواهینامه رانندگی است. وی افزود: در صورتی که موتورسوار فاقد گواهینامه و در وقوع تصادف نقش داشته باشد، در تأمین و پرداخت خسارات با مشکل مواجه خواهد شد و علاوه بر آن چنانچه تصادف منجر به خسارات جانی شده مجازات‌های مقرر در قانون درباره چنین افرادی تشدید خواهد شد.

شکایت زن سوئدی از شوهر ایرانی‌اش

زن تبعه سوئد از شوهر ایرانی‌اش به اتهام انتقال دو فرزندش به کشور شکایت کرد.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل مرد وکیلی در تهران به اداره پلیس رفت و از طرف موکلش که زن سوئدی است، شکایتی را علیه مرد ایرانی (شوهر سابق موکلش) مطرح کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «موکلم چند سال قبل در کشور سوئد با مردی ایرانی ازدواج می‌کند و صاحب دو دختر می‌شود. آنها چند سالی با هم زندگی مشترک دارند، اما در حالی که هنوز دو دخترشان خردسال هستند، اختلاف پیدا می‌کنند و از هم جدا می‌شوند. توافق کرده بودند بچه‌ها پیش پدرشان زندگی کنند و موکلم نیز به فرزندانش دسترسی داشته‌باشد و بعضی روزها آنها را پیش خودش ببرد. مدتی قبل موکلم وقتی به سراغ دخترانش می‌رود، متوجه می‌شود شوهر سابقش بدون هماهنگی دختران خردسالش را به ایران منتقل کرده‌است. الان از شوهر سابقش شکایت دارد و می‌خواهد دخترانش را به کشور سوئد برگرداند.»

با طرح این شکایت، پرونده به دستور بازپرس جنایی برای بررسی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

پسر خطاکار به قصاص محکوم شد

پسر جوانی که در درگیری با پدرش او را به قتل رسانده‌بود، به قصاص محکوم شد.

به گزارش «جوان»، ۱۵ تیرماه سال ۹۸، مأموران پلیس تهران از قتل مردی سالخورده به نام بهزاد در خانه‌اش باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مرد سالخورده با ضربات چاقوی پسرش کشته شده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی پسر ۲۸ ساله به نام پیام تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «من و پدرم با هم اختلاف سلیقه داشتیم. او قصد داشت آبرو و اعتبار مرا با بدگویی پیش دوستانم ببرد. او بارها مرا کتک زده‌بود و یکبار هم می‌خواست مرا خفه کند. به همین خاطر، روز حادثه وقتی با هم درگیر شدیم از شدت عصبانیت با چاقو چند ضربه به او زدم.» با توجه به اظهارات ضد و نقیض متهم، وی به پزشکی قانونی معرفی شد تا اینکه کارشناسان اعلام کردند وی به اختلالات روانی مبتلاست. با اعتراض به این نظریه، او این بار به کمیسیون پنج نفره پزشکی قانونی معرفی شد که کارشناسان اعلام کردند او باید بستری شود.

به این ترتیب پسر جوان بعد از ترخیص از بیمارستان روانی، در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از خودش دفاع کرد. در پایان هیئت قضایی با توجه به مدارک موجود در پرونده، متهم را به قصاص محکوم کرد.

ردپای قتل سارق حرفه‌ای در خانه مالخر

آرمین بینا

مأموران پلیس در بررسی مرگ مرموز سارق حرفه‌ای به رد پای مالخری رسیدند که خانه سه طبقه‌اش را انبار مسروقه کرده‌بود. متهم که شواهد حکایت از این دارد در مرگ سارق نقش داشته‌است، هنگام دستگیری برای فرار از دست پلیس خودش را از پشت‌بام خانه‌اش به پایین پرت کرد و راهی بیمارستان شد.

ساعت پنج دقیقه بامداد ۳۰ شهریور ماه امسال، قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از کشف جسد مردی ناشناس داخل گونی در جنوب تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد جوانی داخل گونی کنار سطل زباله‌ای روبه‌رو شدند که ابتدا داخل نایلون بزرگی بسته‌بندی شده‌بود.

بوی تعفن و معاینات اولیه پزشکی قانونی در محل حادثه حکایت از آن داشت حدود پنج روز قبل مرد جوان در محل دیگری به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌است و پس از آن به این مکان منتقل و رها شده‌است.

رد پا

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس برای شناسایی عامل یا عاملان مرگ مرد جوان، تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند. مأموران در نخستین گام فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد دقایقی قبل از کشف جسد از سوی مرد زباله‌گرد، موتورسیکلتی کنار سطل زباله توقف می‌کند و راکب آن گونی حامل جسد را از ترک موتورش پایین می‌آورد و کنار سطل زباله رها می‌کند و به سرعت از محل دور می‌شود.

با به دست آمدن این سرنخ، مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند و در بررسی‌های دوربین‌های بعدی موفق شدند تصویر موتور سوار را به دست آورند.

شناسایی هویت

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران پلیس هویت مرد فوت شده را با گرفتن اثر انگشت شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان داد جسد کشف شده متعلق به متهم سابقه‌داری به نام کامبیز است که چند باری به اتهام سرقت دستگیر و روانه زندان شده‌است.

همچنین مشخص شد خانواده کامبیز چند روز قبل از کشف جسد، به اداره پلیس رفته و اعلام کرده‌اند پسر جوانشان به طرز مرموزی ناپدید شده‌است. بدین ترتیب خانواده کامبیز به پزشکی قانونی دعوت شدند و جسد پسرشان را شناسایی کردند.

با شناسایی جسد، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و مأموران پلیس در بررسی‌های فنی و تحقیقات از خانواده کامبیز دریافتند وی روز حادثه قرار بوده به خانه یکی از دوستانش به نام بهزاد برود که ناگهان ناپدید می‌شود.

مالخر

بدین ترتیب مأموران پلیس تحقیقات خود را روی بهزاد متمرکز کردند که بررسی سوابق وی نشان داد بهزاد سابقه‌دار و مالخر لوازم سرقتی است، اما مدتی است محل زندگی‌اش را به مکان نامعلومی منتقل کرده‌است. از سوی دیگر مأموران پلیس تصویر به دست آمده از مرد موتورسوار را با عکس بهزاد مطابقت دادند و مشخص شد مرد موتورسواری که جسد را در کنار سطل زباله رها کرده‌است، چهره‌ای شبیه به بهزاد دارد.

بدین ترتیب بهزاد به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه چند روز قبل مأموران محل زندگی وی را که خانه سه طبقه قدیمی در نزدیکی میدان رازی در جنوب تهران است، شناسایی کردند و برای بازداشت وی راهی محل شدند.

سقوط برای فرار

متهم وقتی متوجه حضور مأموران شد، برای فرار به پشت‌بام رفت، اما وقتی دید در محاصره مأموران پلیس قرار دارد از پشت‌بام به خانه همسایه پرید و به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل شد.

مأموران پلیس در بازرسی از محل زندگی متهم با انبار بزرگی از لوازم سرقتی روبه‌رو شدند که مشخص شد معتادان و سارقان هر روز به خانه او رفت و آمد دارند و اموال سرقتی را به او می‌فروشند.

همچنین مأموران در زیر زمین خانه گودالی را مشاهده کردند که احتمال می‌رفت متهم برای دفن جسد اقدام به کندن گودال کرده‌است، اما به خاطر رفت و آمد خلافکاران به خانه‌اش موفق به دفن نشده و جسد را به بیرون منتقل کرده‌است.

پیامک مرموز

در حالی که متهم در بیمارستان تحت درمان قرار دارد، مأموران در بررسی تلفن همراه او با چند پیامک مرموز از سوی همسرش روبه‌رو شدند. در یکی از پیامک‌ها همسر بهزاد نوشته‌بود «کامبیز را هم مثل وحید به قتل رساندی» بدین ترتیب این فرضیه برای مأموران پلیس قوت گرفت که به احتمال زیاد متهم دست به قتل فرد یا افراد دیگری هم زده‌است.

مأموران پلیس در ادامه چند نفر از دوستان بهزاد را که به خانه او رفت و آمد داشتند، بازداشت و از آنها بازجویی کردند. دوستان بهزاد همگی ادعا کردند روزهای پایانی شهریور امسال وقتی به خانه بهزاد رفته‌اند، متوجه بوی تعفنی از خانه وی شده‌اند، اما متهم مدعی بوده بوی تعفن بوی لاشه مرغی است که به خاطر خرابی یخچالش فاسد شده‌است، بنابراین این احتمال هم برای مأموران قوت گرفت کامبیز به خاطر فروش لوازم سرقتی با بهزاد اختلاف پیدا کرده و بهزاد هم وی را به قتل رسانده و جسد را چند روزی در خانه‌اش مخفی کرده‌است، اما زمانی که بوی تعفن از آن منتشر شده جسد را بسته‌بندی و به بیرون منتقل کرده‌است.

تحقیقات درباره این حادثه تا بهبودی متهم و بازجویی از وی از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

درخواست دیه از بیت‌المال پس از مرگ قاتل در زندان

محبوبه قربانی

داماد عصبانی که به اتهام قتل مادرزنش در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، در زندان جان باخت و اولیای دم درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کنند.

اردیبهشت ماه سال ۸۸، مأموران پلیس تهران با اعلام خبر درگیری خانوادگی به محل حادثه رفتند که منزلی مسکونی در جنوب شهر بود. با حضور مأموران در محل، بررسی‌های اولیه نشان می‌داد درگیری بین زوج جوانی بود که در آن درگیری داماد خانواده با چاقو مادرزنش را زخمی و راهی بیمارستان کرده‌است.

مرد جوان که محمود نام داشت و بعد از زخمی کردن مادرزنش از محل متواری شده‌بود، تحت تعقیب قرار گرفت. تحقیقات برای بازداشت او به جریان افتاد که خبر رسید مادرزنش به نام پوران به خاطر شدت خونریزی‌ها فوت کرده‌است.

به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و در دستور کار قرار گرفت تا چند روز بعد محمود ردیابی و بازداشت شد. او در جریان بازجویی‌ها به درگیری خانوادگی و قتل مادرزنش اعتراف کرد و گفت: «چهار سال قبل با همسرم به نام مهسا ازدواج کردم. من و مهسا زندگی خوبی داشتیم تا مدتی بعد به اختلاف خوردیم. قبل‌تر از این اختلافات، پدر و مادر همسرم در زندگی‌مان دخالت می‌کردند. آنها وقتی متوجه مشکلات ما شدند، دخالت‌هایشان بیشتر هم شد. خیلی تلاش کردم آنها وارد حریم خصوصی‌مان نشوند، اما فایده نداشت، چون همسرم با من همراه نبود و هر بار از آنها می‌خواست با هر بحث کوچکی به خانه‌مان بیایند. دخالت آنها یک طرف، اما مشکل اصلی اینجا بود آنها به جای نصیحت دخترشان از او طرفداری می‌کردند.»

متهم در خصوص قتل گفت: «این مشکلات ادامه داشت تا روز حادثه. آن روز به خانه پدر همسرم رفته بودیم که سر موضوعی حرف پیش آمد. مادرزنم بار دیگر شروع به دخالت کرد و همین باعث شد با او درگیری لفظی پیدا کنم. پدرزنم طرفدار همسرش بود. او بعد از گوش کردن به حرف‌های من و مادرزنم به هواخواهی از همسرش با من درگیر شد. من که از آنها کینه داشتم و نمی‌توانستم حرفم را به آنها بفهمانم، کنترل اعصابم را از دست دادم و دست به چاقو شدم. مادرزنم وقتی چاقو را دید، شروع به فحاشی کرد. عصبانیتم بیشتر شد و به او حمله کردم، سپس چند ضربه با چاقو به او زدم و فرار کردم. قبول دارم به او ضربانی زدم، اما به قصد کشتن او نبود و همه این اتفاقات به خاطر از دست دادن کنترل و عصبانیتم بود.»

با اقرارهای متهم، وی بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد. پرونده بعد از تعیین شعبه روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و در دفاع از خودش گفت: «قبول دارم مرتکب قتل شده‌ام، اما قصد قبلی برای انجام این کار نداشتم و آن روز به خاطر دخالت‌های دوباره پدرزن و مادرزنم کنترل اعصابم را از دست دادم و دستم به خون آلوده شد. از اولیای دم شرمنده هستم و تقاضا دارم مرا ببخشند و حلال کنند.»

بعد از شنیدن این دفاعیات هیئت قضایی وارد شور شد و متهم را با توجه به مدارک در پرونده به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی قضات دیوان نیز تأیید شد. به این ترتیب داماد عصبانی در لیست اعدامی‌ها قرار گرفت و در حالی که زمان زیادی تا اجرای حکم باقی نمانده‌بود، متهم در زندان فوت کرد.

با مرگ قاتل، اولیای‌دم با نوشتن نامه‌ای درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند. با این درخواست، پرونده بار دیگر روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه، پسر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «مادرم از سر دلسوزی در زندگی خواهرم دخالت می‌کرد و اکثر مواقع خواهرم او را در جریان مشکلاتش قرار می‌داد، ولی داماد‌مان به این بهانه مادرم را با بی‌رحمی به قتل رساند. ما راضی به گذشت نبودیم و برای متهم درخواست قصاص داشتیم. نوبت اجرای حکم بود که محمود در زندان فوت کرد. حالا با مرگ او تقاضا داریم دیه مادرمان از صندوق بیت‌المال پرداخت شود تا خونش پایمال نشود.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد تا درباره این درخواست رأی صادر کند.

پلیس در جست‌وجوی سرایدار فراری

سرایدار ساختمان که متهم است زنی سالخورده را به قتل رسانده‌است، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش «جوان»، ساعت ۲۳ شامگاه پنج‌شنبه دوم دی ماه سال قبل زن جوانی در تهران با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد مادر سالخورده‌اش در خانه‌اش به طرز مرموزی به قتل رسیده‌است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ولنجک راهی محل شدند. مأموران داخل آپارتمان مسکونی در کوی فراز با جسد زن ۷۰ ساله‌ای به نام ماهرخ داخل کمد دیواری روبه‌رو شدند که بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده‌بود. دختر مقتول به مأموران گفت: «مادرم تنها زندگی می‌کرد و سرایدار ساختمان به نام کامران به عنوان خدمتکار کارهای او را انجام می‌داد. معمولاً هر روز با مادرم در تماس بودم و گاهی هم به دیدن او می‌آمدم. روز سه‌شنبه کامران از خانه مادرم با من تماس گرفت و گفت مادرم قرار است با تعدادی از دوستانش چند روزی به مسافرت برود و من نگرانش نباشم. من به حرف‌های او اعتماد کردم، چون از خانه مادرم تماس گرفت و صدای مادرم را هم شنیدم. امشب چند باری با مادرم تماس گرفتم، اما او جواب نداد و نگرانش شدم و به خانه‌اش آمدم، ولی او در خانه‌اش را باز نکرد. از طرفی هم همسر کامران گفت چند روزی است از شوهرش بی‌خبر است. نگرانی‌ام بیشتر شد و با کلید یدکم در خانه مادرم را باز کردم. هر چقدر او را صدا زدم، جوابی نشنیدم تا اینکه با جسد دست و پا بسته او داخل کمد دیواری روبه‌رو شدم و موضوع را به پلیس خبر دادم.»

انتشار عکس قاتل

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای درباره این حادثه آغاز کردند تا اینکه دریافتند آخرین فردی که به خانه مقتول رفته‌است، کامران سرایدار ساختمان بوده‌است. از سوی دیگر مشخص شد وی پس از قتل و سرقت طلاهای زن سالخورده به مکان نامعلومی گریخته‌است. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: «در حالی که ردی از قاتل فراری به دست نیامده‌است، قاضی رستمی، بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای امور جنایی تهران دستور انتشار عکس بدون پوشش متهم را صادر کرد تا شهروندانی که از مخفیگاه وی اطلاع دارند، موضوع را به پلیس خبر دهند.»

مفقودی

فاکتور فروش موتور سواری خودرو پژو تیپ ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس به رنگ عنابی متالیک مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۱۲۹ص۹۳ایران۲۱ و شماره شاسی ۸۱۳۰۵۴۵۴ و شماره موتور ۲۲۵۲۸۱۰۴۲۷۲ متعلق به عین‌اله کریمی افکند باکد ملی ۱۵۳۳۷۰۹۷۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۵۴۸۵ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۰۲۵ تقاضای آقای علی‌اکبر امیرپور به شماره شناسنامه ۱ و کدملی ۲۱۲۲۰۴۷۲۷۵ صادره از گرگان فرزند غلامحسین در شش‌دانگ اعیانی یک باب ساختمان به انضمام شش سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ عرصه که مابقی آن وقف است به‌مساحت ۱۸۸/۲۷ مترمربع از پلاک شماره ۲۶۷ -اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رأی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی محمد احمدی به متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به‌مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۸/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۹/۱۴

علی برقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه ونوش پلاک ۵۸ اصلی بخش ۶ قشلاقی

۸۵۷ فرعی آقای علی شرافت ایردموسی فرزند داداش نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۳۶,۴۶ مترمربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از کبری شکالیو. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی /کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴ نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸

شناسه آگهی: ۱۴۰۵۱۸۴ صفر رضوانی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

یادداشت

حسین فصیحی

آگاهی‌بخشی عمومی برای ناکام‌گذاشتن پلیس‌های قلابی

پرونده‌های بسیاری با موضوع ارتکاب جرم در پوشش مأموران انتظامی یا امنیتی در اداره‌های پلیس مطرح می‌شود. پلیس درباره فراوانی پرونده‌های تشکیل شده با همین موضوع، آماری منتشر نکرده‌است، اما طرح شکایت‌ها و خبرهایی که منتشر می‌شود، حکایت از فراوانی ارتکاب این جرم دارد. ارتکاب این جرم امنیت روانی جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و منجر به بروز نگرانی عمومی و خدشه به جایگاه پلیس می‌شود. برای مرتکبان دسترسی به لباس و تجهیزات پلیس به سادگی امکان‌پذیر است. امکان تهیه لباس در سایت‌های فروش کالا، فروشگاه‌های لباس نظامی در میدان امام حسین(ع) یا میدان محمدیه به راحتی ممکن است. جعل کردن کارت شناسایی پلیس یا حکم قضایی هم به راحتی برای آنها ممکن است، به طوری که گاهی راستی‌آزمایی آن از سوی پلیس‌های واقعی هم به راحتی ممکن نیست.

کلاهبرداری، سرقت، اخاذی یا آدم‌ربایی، عمده‌ترین جرائمی است که مجرمان با پوشیدن لباس یا همراه داشتن تجهیزات پلیسی مرتکب می‌شوند. مجرمانی که به این شیوه عمل می‌کنند، عمدتاً از اعتماد به نفس بالا برخوردار هستند و با مهارتی که دارند می‌توانند سوژه‌های خود را فریب دهند. بیشتر این افراد از مجرمان سابقه‌دار هستند که به دلیل آمد و شد به زندان از مهارت‌های لازم برای موفقیت در عمل مجرمانه خود بهره‌مند می‌شوند. پلیس‌های قلابی با اطلاع از نقاط ضعف سوژه‌های خود یا تخلف‌هایی که دارند آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و از آنها اخاذی می‌کنند. بسیاری از پلیس‌های قلابی در نقش مأمور مبارزه با قاچاق کالا، مبارزه با موادمخدر یا امنیت اخلاقی وارد عمل می‌شوند و با متوقف کردن خودروهای عبوری، خودرو را بازرسی و لوازم گران‌قیمت سرنشینان را سرقت می‌کنند. عمده این مأموران از نشان دادن کارت شناسایی طفره می‌روند و با نشان دادن لحظه‌ای کارت یا حکمی که مشخصات آن معلوم نیست، فرصت بررسی آن را به سوژه‌هایشان نمی‌دهند. آنها تلاش می‌کنند با نمایش بی‌سیم، اسلحه یا دستبند سوژه‌هایشان را تهدید و تسلیم کنند. پلیس‌های قلابی عمدتاً نقاط خلوت را که امکان تردد گشت‌های پلیس در آن محدود باشد، برای رسیدن به عمل مجرمانه‌شان انتخاب می‌کنند و برای اخاذی از سوژه‌هایشان آنها را برای رفتن به مرکز انتظامی تهدید می‌کنند.

صرافی‌ها یکی از کانون‌های موردتوجه پلیس‌های قلابی است. آنها بعد از شناسایی صرافی موردنظر با معرفی خود به عنوان پلیس مبارزه با مفاسد اقتصادی وارد عمل می‌شوند. این دسته از پلیس‌های قلابی عمدتاً لباس شخصی به تن دارند، اما برای جلب‌توجه سوژه‌های خود حکم قضایی و تجهیزات پلیسی حمل می‌کنند و موفق می‌شوند ارز و طلاهای مورد نظرشان را سرقت کنند.

پلیس همواره تأکید دارد که مأموران با لباس، تجهیزات کامل و خودروی پلیس راهی مأموریت می‌شوند و فقدان هر کدام از اینها می‌تواند به معنای قلابی بودن پلیس باشد. پلیس همچنین تأکید دارد تمامی مأموران چه با لباس انتظامی و چه با لباس شخصی، موظف به نشان‌دادن کارت شناسایی خود هستند و از شهروندان درخواست می‌کنند به دقت مشخصات کارت را بررسی و ضمن تطبیق عکس با صاحب کارت، به تاریخ اعتبار آن نیز توجه کنند. استعلام از مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ بهترین گزینه برای راستی‌آزمایی فرد موردنظر است که واقعی یا جعلی بودن مأمور موردنظر بررسی شود.

با وجود اینکه عمده این افراد بازداشت و به مجازات تعیین شده محکوم می‌شوند، اما چرخه ارتکاب این جرم همچنان برقرار است. براساس ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی «هر کس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت، خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده‌است، دخالت دهد یا معرفی کند، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده‌باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت.» ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی هم در این‌باره صراحت دارد که «هر کس بدون مجوز و به‌صورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود، مورد استفاده قرار دهد، در صورتی که عمل او، به مجازات قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد، به حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تا ۶ میلیون ریال محکوم خواهد شد و در صورتی که از این عمل خود سوءاستفاده کرده‌باشد، به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راه مصون ماندن از گرفتار شدن در دام پلیس‌های قلابی، افزایش آگاهی عمومی در این‌باره است.